

با اجازه مافوقترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

دلیل وجود موجودات نامرئی در پیرامون بشر و تمرین های عملی برای فهم و درک آن

موجودات نامرئی

بارها گفته شده موجوداتی بسیار و عناصر و گازهای بیشمار در پیرامون ما وجود دارد و دور تا دور همه افراد بشر را گرفته ولی انسان با چشم عادی نمی تواند آنها را ببیند. برای اثبات وجود آنها به این حقیقت توجه کنید که شب هنگام چون دیده به صفحه نیلگون آسمان می افکنید آنرا انباشته از هزاران هزار ستاره درشت و سحابی و کهکشان می بینید که با کمال درخشندگی در حال جلوه و نور پاشی هستند.

چرا در روز ستارگان را نمی بینیم؟

علت این که شب ستاره ها به آسانی دیده می شوند آن است که چشم انسان به علت محجوب بودن نور قوی خورشید با آنها تعادل پیدا می کند و علت ندیدن آنها در روز آن است که چشم با آن تعادل ندارد. اگر توانست در روز هم این تعادل را حاصل کند بدیدن آنها موفق خواهد شد. مگر نه این است که این ستارگان همیشه در آسمان وجود دارند؟ پس چه شده که در روز نمی توانیم آنها را بنگریم؟ علت آن روشن است. می گویند نور قویتری که همان نور خورشید است وجود دارد که مانع از دید آنها می گردد. چنان که شاعر فرمود:

اخترانی که به شب در نظر ما آیند پیش خورشید محال است که پیدا آیند

البته محال نیست چنانکه گفته خواهد شد. این ستارگان در محل خود وجود دارند ولی ما آنها را در روز نمی توانیم ببینیم و اگر بنا باشد همواره روز روشن باشد و در نور خورشید غرق باشیم بدون چشم مسلح هیچ کس قادر بدیدن آنها نخواهند بود.

موجودات نامرئی

در اطراف بشر یعنی در همین هوایی که بدون رنگ و رقیق به نظر می رسد موجودات بیشماری وجود دارد که بشر با وضع عادی از دیدن آنها محروم است. چون اشخاص آنها را نمی بینند ممکن است منکر وجودشان شوند. این است که برای فهم مطلب مثالهایی در این مقال بیان گردیده است. موجودات نامرئی که پیرامون بشر را فرا گرفته و فضای اطراف او را پر ساخته حال همان ستارگان را دارند. آنها هستند، وجود دارند و جلو چشم همگی در حال تجلی می باشند اما نورها و رنگ ها و جلوه های دیگری هست که دید بشر را مسدود می کند و او را خیره می سازد و قادر به رویت آن نورالانوار و نورها و عناصر و موجودات نیست.

پاره کردن پرده ها

هر گاه بشر وسائلی یافت که پرده ها را پاره کرد و حجاب ها را درید خواهد دید چه تلالؤ و عظمتی در همین عالم ساده که در جلو او گسترده است وجود دارد که در حال عادی قادر به دیدن و یافتن آنها نیست.

ایجاد وسایل

اما اگر بشر توانست وسائلی برانگیزد، در همین زندگی هم می تواند به این کار قادر شود و معنی واقعی دریدن حجاب همین است. آن افزارها و وسایل یا از تطور و اختراعات و کشف وسایل باشد یا این که بشر تمرین روحی کند و خود را چنان قوی نماید و چشم را آشنا سازد که به این امر قادر گردد فرقی نخواهد داشت و می تواند آنها را ببیند. معنی تمرین ها و رفع حجابها همین است که گفته شد.

دیدن ستارگان در روز

مثلاً هرگاه بشری چشم خود را در روز به آسمان خیره ننماید و بر تمرین مداومت نکند و بخواهد که ستارگان را ببیند ستارگان را نخواهد دید. اما ایمان قاطع دارد که آنها وجود دارند با این که در حال عادی قادر به دیدنشان نیست. اما در اثر مداومت و خواست و جدیت ممکن است تک تک آنها را حتی موقع ظهر که خورشید در منتهای قدرت است بنگرد و روز به روز بر دید او اضافه شود. وقتی توانست به این کار توفیق یابد ایمانی که داشت به شهود می رسد و آنچه را یقین داشت بالعیان می نگرد. البته در اثر تمرین اکثریت به این کار توفیق حاصل می کنند و اگر هم اشخاصی پیدا شوند که در اثر ضعف طبیعی نیروی دید موفق نشوند ایمانشان به وجود ستارگان در روز قطعی است هر چند که آنها نتوانستند آن را ببینند.

تمرین دیدن ستارگان

برای تمرین دید ستارگان در روز می توان همه روزه به نقطه معینی از آسمان که بهتر است در ابتدا دور از قرص خورشید باشد چشم بدوزند. در اثر مداومت در این کار کم کم چشم تناسب و تعادل با آن پیدا می کند و پس از مدتی موفق به دیدن ستارگان خواهد شد. البته به طور کمرنگ نه مثل ستارگان شب. باید گفت شرط این است که در این کار طاقت و مداومت و پیگیری و حوصله به کار رود و الا با یک روز و دو روز نتیجه حاصل نمی گردد. در ابتدای تمرین ستارگان متناوباً روشن و خاموش و پیدا و ناپیدا می شوند و این کار به علت پرت شدن حواس تمرین کننده است. هم اکنون نیز اشخاصی هستند که در روز ستارگان را می بینند و چون قوای آنها به طور طبیعی زیاد است این کار برایشان مشکل نیست. آنقدر نگاه و تمرین کرده اند که توانسته اند به این کار موفق شوند. پس وجود ستارگان در روز قابل رد کردن نیست. موجودات و گازهای نامرئی فضائی هم وجود دارد ولی به همین دلیل است که همه نمی توانند آن را ببینند و راه دیدن آنها تمرین و مداومت است.

اشعه اطراف چراغ

اگر شما به یک لامپ چراغ برق در حال روشنی خیره شوید در ابتدا چیزی غیر عادی در اطراف آن نخواهید دید. اما اگر پلک ها را رفته رفته تنگ و تنگتر و کوچکتر سازید کم کم در اطراف همان چراغ شعاع ها و دایره ها و خطوطی از نور و طیف ها و چیزهای دیگر بنظرتان خواهد رسید. اینها چه بود؟ چطور شد که در حال عادی نبودند و اکنون ظاهر شدند؟ آیا چشم شما معیوب گردید یا نور چراغ خراب شد و یا وضع اطاق دگرگونی پذیرفت که اینها را که نمی دیدید اکنون می بینید؟ علت آن فقط این است که با تنگ کردن چشم مانعی در مقابل نور قوی که پیرامون چراغ را گرفته بود پدید آوردید و چشم را متناسب با آن نور کردید و چون مانع مرتفع شد توانستید چیزهای دیگری در فضا ببینید. این تجربه ای خیلی ساده و بدوی و بدون تمرین بود که بیان گردید. حال

فکر کنید اگر انسان تمرین کند و بر تمرین مداومت نماید و بخواهد در این راه جد و جهد روا دارد و دنبال کند چه حقایقی بر او روشن خواهد گردید.

تغییر در نحوه تمرین

همین تمرین را می توان به صورتهای مختلف انجام داد. مثلاً نور در بالا، در پایین، نور قوی و نور ضعیف به صورتهای گوناگون نگریست تا جلوه های مختلف در فضا به چشم انسان برسد. می توان در همان حالی که چشم خیره به نور شده و شعاعهایی در فضا می بیند به وسیله عینک یا دوربین به آنجا نظر کرد. دیگر آن شعاعها محو می گردد زیرا در اثر ذره بین باز نور قوی می شود. وقتی با ذره بین و چشم باز به چراغ بنگرید قدرت زیادتری از آن می بینید اما اگر چشم را کوچک کنید در اطراف آن ذراتی دیده می شود. اینها نشان آن است که چیزی هست والا از کجا آمدند. مسئله شهود و ظاهر است و به خوبی دیده می شود. چرا با کوچک کردن چشم دیده شد و وقتی ذره بین به چراغ انداختید و نور قویتر شد از بین رفت؟ زیرا به علت ازدیاد نور تناسب بهم خورد. وقتی دوباره تناسب دهید باز آن را خواهید دید. چه دلیلی است که با تنگ کردن چشم شعاعهایی دیدید در حالی که با باز بودن چشم آنها را ندیدید؟

طیفهای رنگین نور

طیفهای رنگین را می توان با وسائل و تمریناتی در اطراف نور مشاهده کرد. اینها را همه در اثر حجایی که مصنوعاً در مقابل نور قوی به وجود آوردیم دیدیم. اگر انسان تمرین کند با چشم باز هم می تواند در اطراف یک لامپ قوی برق یا در اطراف خورشید شعاعها و جلوه هائی گوناگون از انوار و اشعه و رنگ بنگرد.

مربوطه به مژه چشم نیست

دیدن این شعاعهای چراغ که در اثر تنگ کردن چشم به نظر می رسد مربوط به مژه انسان نیست. دلیل این است که اگر از نزدیک به چراغ خیره شویم مجبوریم چشم را تنگ کنیم تا اشعه را ببینیم اما اگر مثلاً ده متر یا بیست متر از نور چراغ دور شویم دیگر احتیاج به تنگ کردن چشم ندارد و با چشم باز که مژه جلو آن را نگرفته همان شعاعها را می بینیم. برای امتحان به چراغ برقهایی دور دست خیابان نگاه کنید. برای دیدن شعاع در اطراف چراغی که نزدیک شما است ناچارید چشم را نیمه بسته سازید اما چراغهای دور دست همان خیابان را با چشم باز به همان صورت می بینید. پس بایستی چشم خود را مثل دیافراگم عکاسی با فاصله متناسب سازیم.

نقل از مجله اطلاعات هفتگی

شماره جمعه آبان صفحه

پرتوهای ندیدنی

چشم انسان نورهایی را می تواند ببیند که طول موجهای آنها تنها میان سانتیمتر یا «آنگستروم» و سانتیمتر یا آنگستروم تغییر کنند. پاره ای از مردم که قدرت بینائی شگرف دارند می توانند نورهایی را ببینند که به طول موجهایشان اندکی بیش از این است. پاره ای نیز در آن سوی مرزهای نورهای دیدنی، پرتوهای را دیده اند که طول موج هائی جز آنچه یاد شد دارند و مانند پرتوهای نور در فضا در گردشند. دانشمندان بسیاری به فکر وجود

این پرتوها افتاده اند. لیکن نخستین بار ویلیام هرشل اخترشناس بزرگ انگلیسی در دهه اول قرن نوزدهم وجود آنها را به اثبات رساند

خیره شدن به پنجره

یک تمرین دیگر: هر گاه در روشنایی چشم خود را به یک پنجره خیره کنید و سپس چشم را ببندید همان پنجره را به طور معکوس خواهید دید. پنجره در مقابل دید شما تغییر کرد و باز هم تغییراتی می کند زیرا اشیاء دیگری هم در اطراف آن هست. چون تمرین خود را روی این قسمت متمرکز کردید روشنایی باطنی شما تجلی کرد و همان پنجره را به طور معکوس به نظر شما رسانید. پس از مدتی آن پنجره می رود و شیئی دیگر در نظر می آید. اینها از کجا آمد؟ از هر راهی تمرین کنید مطلب مسلم می شود.

دلیل روشن دیگر

دلیل روشن دیگر بر این مطلب ذکر می کنم. در این اطاق که شما قرار دارید انواع اشیاء روی میز یا روی زمین گذارده شده است. کسی که چشم خود را ببندد نمیتواند آن اشیاء را ببیند و یا کسی که امی است ادعا می کند که چیزی روی میز یا روی زمین نیست. اما کسی که می بیند جواب می دهد: همه چیز هست اما تو نمی بینی. آن کور مادرزاد اگر با دست لمس کند به وجود حتمی اشیاء پی می برد. این لمس همان حسی است که ما می گوئیم نسبت به اشیاء نامرئی در ابتدا پیدا می شود یعنی مغز را وادار به قبول وجود آن اشیاء می کند. عمل دیدن هم همین کار را انجام می دهد.

اقرار می کند

شخص امی پس از این که کورمال دست خود را به کتاب زد و اطراف آن را لمس کرد می گوید: فهمیدم. وجود کتاب را متوجه شدم و دانستم که کتاب هست اما شخص بینا می گوید: تنها کتاب نیست انواع و اقسام چیزها است که تو متوجه نیستی.

روشن بین چه می گوید؟

حال اگر بشر توانست وسائلی اختراع کند و به آن کور تمریناتی بدهد خواهد دید که آن چیز که منکرش بود برای او روشن می شود. فرق شخص روشن بین و شخص عادی مثل فرق بینا و کور است. شخص روشن بین می گوید توجه کن ببین ولی شخص عادی مثل آن کور مادرزاد می گوید: نیست و در این سخن خود اصرار می ورزد اما در اثر نصیحت و تمرین و مداومت کم کم چشم باطن او باز می شود و حقایق را خواهد دید و پی به اشتباه اولیه خود می برد.

تمرین با چشم باز

کسانی که این گونه تمرینات را انجام می دهند این طور نیست که چشم را ببندند تا در نظر آنها چیزی به صورت خیال مجسم گردد بلکه با چشم باز آنها می بینند. پس از این که در تمرین موفق و قوی شدند در حالی که در اطاق خود نشسته اند شهر دیگر، کشور دیگر و حتی قاره دیگر را می توانند ببینند. البته چشم باز است ولی در

اینجا دیگر چشم کار نمی کند بلکه مثل حالت گیجی و دوران سر، حالی به او دست می دهد و اینها را می بیند. کسی که با چشم باز موفق به دیدن این مناظر شد به طریق اولی با چشم بسته هم خواهد دید.

نکته مهم

یک نکته مهم باید در اینجا گوشزد گردد و آن این است که این گونه تمرینات برای این که مؤثر گردد لازم است مداومت داده شود. کسی که به چنین کاری مبادرت می ورزد نباید توقع داشته باشد که بعد از یکی دو روز یا یکی دو هفته و حتی یکی دو ماه توفیق یابد بلکه برای رسیدن به نتیجه مطلوب استقامت، عشق، علاقه، پی گیری و مداومت و ایمان به پیروزی لازم است.

دلایل روشن و آشکار

دیدن گازها و موجودات نامرئی هم همین حال را دارد و در عین ایمان قطعی به وجود آنها می توان تمرینهای مناسب نمود و به دیدنشان موفق شد. آیا شهادی و دلیلی برتر از این برای امروز بشر می توان یافتن؟ کار وحدت مثل کارهای دیگر بر روی حدس و فرض استوار نیست بلکه بر روی تجربه و یقین بنا شده و راه را برای همه باز می کند که هر کسی بتواند حقیقت را با تجربه شخصی بالعیان بنگرد. اینجاست که مقام تمرین و عظمت آن روشن می گردد و نشان می دهد که هر چه انسان بیشتر تمرین کند بیشتر موفق به دیدن و فهمیدن حقایق می شود تا آنجا که پرده ها از جلو چشمان او کنار رفته و حقایق را بالعیان خواهد نگریست. پس اگر انسان چشم را با تمرین مسلح کند بدیدن این موجودات و حتی پریسپریها موفق خواهد شد.

حقایقی در باره رؤیا و خواب

یک راز بزرگ

حال که سخن بدین جا رسید به امر و مشیت الهی یک حقیقت بزرگ عالمی را مکشوف می کنم و آن خواب دیدن است. آیا می دانید چرا خواب می بینیم؟ علت آن است که در حال خواب، وضع بدن طوری است که در مقابل نورهای قوی که در روز می تابد حاجابی پیدا می شود و دیگر نورهای قوی مانع از دیدن موجودات نمی گردد. به این لحاظ است که انسان در حال خواب آزادانه حرکات پریسپریها را اعم از انسان و حیوان و مناظر مختلف می بیند و آنها را بطور حقیقی می نگرد.

خواب چیست؟

خواب امری مسلم است ولی نمی دانند چه می شود که انسان مناظری می بیند. تردیدی نیست که خواب همانا دیدن پریسپریها است. در حال بیداری وضع بدن انسان و فعالیت حاد و تند آن تناسبی با دیدن پریسپری ندارد. این است که نمی تواند آنها را در حال عادی ببیند. اما هنگام خلسه یا خواب طبیعی یا خواب مصنوعی موفق بدیدن آن می شود.

این است رؤیا و خواب

این موضوع مسئله خواب را روشن کرد در حال خواب انسان در اطراف خویش همان ذرات و پریسپریهائی را که موجود است ولی در حالت بیداری دیده نمی شود، می بیند این کلید رؤیایها است که این همه دانشمندان بر سر آن زحمت کشیده و به حل آن موفق نشده اند.

حال خواب در بیداری

اکنون می گویم اگر کسی توانست به وسیله تمرین همان حالت خواب و مخفی شدن نور قوی و ممانعت از نور را در خود پدید آورد همان جلوه های پریسپری را که در خواب می دید در حال بیداری به طور منظم تر و بهتر خواهد نگریست. عمل اشخاص روشن بین و آگاه که حقایق را می نگرند همین است. در این حالت چشم باز است ولی نور قوی را مشاهده نمی کند و برخی اشیاء و مخلوقات که در جو وجود دارد دیده می شود. البته همه را نمی تواند ببیند بلکه مختصری به چشم او می رسد.

تمرین چگونه است؟

اگر در حال بیداری تمرین کند در ابتدا هاله هائی و چیزهایی به چشم می آید که انسان به آن عادت می کند کم کم توجه و عادت بیشتر خواهد شد، راه کار بدست خواهد آمد که چشم خود را به چه حالتی در آورد که بتواند آن اشعه و حالات را ببیند. همین که در مرتبه اول دید در نظر او مسلم می شود و کم کم طریق عمل را می آموزد و موضوع برای او تجلی خواهد کرد.

حالت خلسه

حالت خلسه ای که در اویش می گویند همین است. بعد از تمرین حالت خواب ماندی به انسان دست می دهد، گوش درست کار نمی کند، تمام فکر و مغز و حافظه به آن نقطه که انسان خیره شده جلب می گردد و یک مرتبه حالتی خلسه مانند به انسان دست می دهد. در تاریکی شب شیئی روشن جلو می آید که متحرک است. به قدری تحرک دارد که هیچ نمی تواند آن را در نقطه ای ثابت نگاهدارد. این خیال نیست. موجودی است که به این صورت دیده می شود. هر چقدر تمرین اضافه گردد شخص قوی می شود و اشیائی می بیند. فقط بایستی ترس نداشت و نباید رشته را قطع کرد. باید از روی میل و اراده خواست که چیزهائی ببیند. جسم و بدن و مغز و غیره را به این کار باید معتاد کرد.

خلاصه آنچه دیدیم

پس دیدیم که در فضای اطراف ما موجوداتی وجود دارد که ما نمی بینیم همانطور که در روز ستاره وجود دارد و چشم ما از دیدن آن عاجز است و همانطور که در اطراف چراغ اشعه خاصی هست که در حالات خاص موفق بدیدن آن می شویم. نخست بر ما برای العین ثابت شد که روز هم، ستاره را می توان دید. تجربه لامپ را هم دیدیم و قدرت آن بر ما مسلم گردید که با کم و زیاد کردن شکاف چشم ذراتی در اطراف نور چراغ دیده می شود. این ذرات چیست؟ همه آن را می بینند ولی متوجه نیستند و حتی در صدد فهم آن بر نمی آیند. آیا خیال است؟ وهم است؟ خیر، حقیقتی است که با خیره شدن به نظر می رسد.

شرایط انجام تمرین

برای انجام این کار تمرین لازم است و بایستی تمرین را درست انجام داد تا انسان با تجربه شخصی معتقد به حقیقت شود و بداند همانطور که پریسپری را در خواب می بیند در روز هنگام بیداری هم می تواند آن را بنگرد. شرایط تمرین همانا دقت و مداومت است و الا داشتن عینک یا بدون آن تغییرات جزئی است که به آن معتاد می

شوند. با یک ذره بین قوی انسان طاقت نگاه کردن به لامپ ندارد چون نور را تقویت می نماید. اما با همان حال وقتی حدقه را کم و زیاد کردید می توانید ببینید.

ترقی در این راه

اینها همه فرع تمرین است هر چه نور را قویتر کنید کمتر موفق به دیدن جزئیات می شوید: وقتی در اطراف لامپ آن اشعه را دیدید می توانید از خود سؤال کنید که این چیست و از کجا آمده است؟ چیزی است که وجود دارد و شما آن را دیده اید و می بینید. ممکن است روزی بشر توفیق یابد وسایلی گرانبها پیدا کند که این موجودات را ببیند اما این تمرین که گفته شد در دسترس همه است و به طور مجانی حقایق را در اختیار انسان می گذارد.

به چشم صدمه نمی زند

این گونه تمرینات صدمه به چشم نمی زند. اگر انسان با چشم باز به یک منبع نور قوی نگاه کند چشم ناراحت می شود زیرا تناسب با آن ندارد. اما اگر چشم را تنگ کرد و به آن نگریست کم کم متناسب با آن می شود و ضرری نخواهد داشت. خود مردمک چشم هم این عمل انطباق را تا حدودی که عادتاً لازم است انجام می دهد دیافراگم عکاسی هم روی این اصل ساخته شده است. تمرین در این قسمت راه را بر انسان می گشاید و بهترین رهنما است که چشم را به چه صورت در آورد تا بهتر موفق شود.